

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# فقہ

## تحلیلی درباره

### شب قدر

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

## بعض مسائل روزه



حجة الاسلام والمسلمین قدیری

بعد از حمد و سلام و درود بر همه انبیا و اولیا، بویژه پیغمبر ما و ائمه معصومین و سلام بر امام بزرگوار و امت شهید پرور و شهدا، اسلام و همه مجاهدین فی سبیل الله، سلام بر میهمانان خدا، سلام بر کسانی که نفسهای آنان تسبیح و خواب آنها عبادت است . سلام بر آنان که لیاقت دعوت خداوند را دارند و پذیرای آنند . سلام بر ماهی که روزهای آن بهترین روزها و شبهای آن بهترین شبهاست . سلام بر ماهی که در آن شب قدر هست که در فضیلت بالاتر از هزار ماه است و در آن ملائکه و روح بتمام امور و تقدیرات باذن پروردگارش نازل میشوند . سلام بر کسانی که مهبط نزول این امور و تقدیراتند . در زیارت معتبره، حضرت ابا عبد الله -

الحسین علیها السلام وارد است :

"إِرَادَةَ الرَّبِّ فِي مَقَادِيرِ أُمُورِهِ تَهَيِّطُ لَيْتِكُمْ"

"وَتَصْدُرُ مِنْ بَيُونِكُمْ" (۱)

یعنی اراده پروردگار در تقدیرات امور او به شما نازل می شود و از منزلهای شما صادر می شود . گذشتن از تعبیرات عجیبی که در زیارت جامع نسبت به آنان دارد و ایمن مضمون همان مضمون آیه شریفه سوره قدر است و انشاء اللہ عاجلا باین خواهد شد . و لذا سوره قدر می تواند بر وجود امام در هر زمان دلیل باشد که حضرتش مهبط اراده پروردگار در مقادیر امور و محل نزول ملائکه و روح بتمام امور است .

در سوره قدر نسبت نزول را بقرآن در شب قدر بصورت فعل ماضی داده :

"إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي كَيْلِكَ الْقَدْرِ"

یعنی ما قرآن را در شب قدر نازل کردیم ، ولی نسبت نزول ملائکه و روح را در این شب بصورت فعل مضارع بیان فرموده :

"تَنْزِلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ"

"رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ آيَةٍ"

یعنی ملائکه و روح در شب قدر باذن پروردگارشان به تمام امور نازل می شوند ، و اهل ادب گفتند اسناد فعل مضارع بخصوص در مثل این مورد که ظرف اسناد متکسر و مستمر است دلالت بر استمرار می کند . از این آیه به لحاظ اینکه هر سال شب قدر دارد معلوم می شود که ملائکه و روح هر سال در شب قدر نازل می شوند . حال این سؤال پیش می آید که ملائکه و روح هر سال بر چه کسی نازل می شوند .

و گذشت از اینکه خود این جمله دلیل بر وجود امام در هر زمان هست ، در روایات معتبره از معصومین علیهم السلام هم اصل سؤال طرح شده و هم جواب این سؤال داده شده است و بیان شده که هر سال در شب قدر ملائکه و روح بر امام نازل میشوند و تقدیرات بر وجود مبارکش عرضه میشود . سلام ما بر کسانی که قدر این روزهای عزیز و شایسته را بر ارزش برآیدانند و خود را مجهز کنند و متوجه ب خدا و منصرف از غیر او شوند و وقتی ماه رمضان میگردد انسانهایی الهی و مورد غفران حق تعالی باشند و چنانچه در حدیث شریف است شقی و بد عاقبت کسی است که این ماه بگذرد و از غفران و آموزش خدا محروم شود .

اینکاز فرصت استفاده میکنم و قبل از ورود در بحث فقهی بذکر روایاتی میپردازم که مناسب است بآن توجه شود :

روایتی است از حضرت صادق علیه السلام که فرمودند : پدرم از پدرش از جدش از رسول خدا (ص) نقل فرموده که حضرت فرمودند :

"مَنْ صَامَ شَهْرَ رَمَضَانَ وَ حَفِظَ قَرَجَهُ وَ لِسَانَهُ وَ كَلَّمَ آذَانَهُ عَنِ النَّاسِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ ذُنُوبَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْهَا وَ مَا تَأَخَّرَ وَ اعْتَقَهُ مِنَ النَّارِ وَ أَحَلَّهُ دَارَ الْقَرَارِ وَ قَبِلَ شَفَاعَتَهُ بَعْدَ رَمَلٍ عَالِجٍ مِنْ مُذْيَبِي أَهْلِ التَّوْحِيدِ . (۲)

یعنی کسی که ماه رمضان روزه بگیرد و دامن و زبان خود را از گناه حفظ کند و خود را از آذیت مردم نگاهدارد ، خداوند تمام

گناهان او را میآورد و او را از آتش جهنم آزاد و در بهشت وارد میکند و شفاعت او را نسبت بگناهکاران از اهل توحید قبول میکند . و روایت دیگر از حضرت باقر علیه السلام منقول است که فرمودند :

"إِنَّ لِلَّهِ تَعَالَى مَلَائِكَةً مُوَكَّلِينَ بِالصَّائِمِينَ يَسْتَفْتِرُونَ لَهُمْ فِي كُلِّ يَوْمٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ إِلَى آخِرِهِ ، وَيُنَادُونَ الصَّائِمِينَ كُلَّ لَيْلَةٍ عِنْدَ إِفْطَارِهِمْ . أَيَسْرُوا عِبَادَ اللَّهِ فَقَدْ جَعَلْتُمْ قَلِيلًا وَ تَسْتَعُونَ كَثِيرًا ، بَوْرِكْتُمْ وَ بَوْرِكَ فَيْكُم ، حَتَّى إِذَا كَانَ آخِرَ لَيْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ نَادَوْهُمْ أَيَسْرُوا عِبَادَ اللَّهِ فَقَدْ غَفَرَ اللَّهُ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَقَبِلَ تَوْبَتَكُمْ فَانظُرُوا كَيْفَ تَكُونُونَ فِيمَا تَسْتَأْتِفُونَ " (۳)

یعنی خداوند ملائکه ای دارد که موکل بر روزه داران هستند و طلب آموزش برای آنان در هر روز ماه رمضان میکنند . تا آخر ماه رمضان و هر شب وقت افطار روزه داران را ندا میکنند : گمائی بندگان خدا بشارت باد شما را ، گرسنگی کمی تحمل کردید و سیری بسیار در پیش دارید و چون شب آخر ماه رمضان فرارسد روزه داران را ندا میکنند که ای بندگان خدا بشارت باد شما را خداوند گناهان شما را آمرزید و توبه شما را قبول کرد

ببینید در آینده چگونه عمل خواهید کرد . و روایت دیگر که ذکر آن را مناسب میدانم

روایتی است راجع بحکمت جعل روزه که چرا خداوند روز را واجب کرده و آن صحیحه هشام بن الحکم است که از حضرت صادق علیه السلام از علت روزه سؤال کرد و حضرت فرمود :

"إِنَّمَا قَرَضَ اللَّهُ الْجِيَامَ لِيَسْتَوِيَ بِهِ الْغَنِيُّ وَالْفَقِيرُ ، وَ ذَلِكَ أَنَّ الْغَنِيَّ لَمْ يَكُنْ لِيَجِدْ مِنَ الْجُوعِ فَيَرْحَمَ الْفَقِيرَ لِأَنَّ الْغَنِيَّ كُلَّمَا أَرَادَ شَيْئًا قَدَّرَ عَلَيْهِ ، فَأَرَادَ اللَّهُ تَعَالَى أَنْ يَسْتَوِيَ بَيْنَ خَلْقِهِ وَأَنْ يُذِيقَ الْغَنِيَّ مِنَ الْجُوعِ وَالْأَلَمِ لِيَبْرُقَ عَلَى الضَّعِيفِ وَ يَرْحَمَ الْجَائِعَ " (۴)

یعنی خداوند روزه را بدینجهت واجب

کرد که بین غنی و فقیر تساوی برقرار شود چون غنی و بی نیاز گرسنگی را نمیفهمد تا بر فقیر رحم کند چون غنی هر چه بخواد بر آن قدرت دارد و لذا خداوند متعال خواست تا بین خلقش تساوی برقرار کند و اثر و درد گرسنگی را به شخص غنی بچنانند تا برضعیف رقت کند و بر گرسنه رحم نماید .

و چندیگوتوجه خداوند متعال ببندگان از این حدیث ظاهر میشود که حتی روزه را برای این جعل فرموده که قدرتمندان بفکر بیفتند و ضعفا از محرومیت بدر آیند و این بالاترین وظیفه برای اشخاص قدرتمندانست که فکرضعفا و محرومین جامعه باشند . همه اشخاص نمیتوانند قدرتمند باشند و طبیعی است که در هر اجتماعی عدای دارای قدرت و دیگران فاقد آن هستند ، بر قدرتمندان است که بحال دیگران هم ببندیشند و در فکرفع محرومیت ها و جبران ضعف های آنان نیز باشند .

و بمناسبت ماه مبارک رمضان سئوالاتی در نظر گرفتیم که با استدلالی اجمالی بجواب آنها میپردازم :

اول : از شیهای معروف بلیالی قدر کدام یک شب قدر بودن آن اقوی است ؟  
دوم : کسانی که شغلهایی دارند که نمیتوانند با داشتن آن شغل روزه بگیرند تکلیف آنها چیست ؟

سوم - کسی که از روی علم و عمد روزه ماه رمضان را افطار کند ، وظیفه شخصی او از قضا و کفاره و حکم جزائی او در محکمه اسلامی چیست ؟

اما جواب سئوال اول : از مجموع روایات باب واد آمد دیگر و بعض روایات خاصه میتوان فهمید که شب قدر بیست و سوم ماه مبارک رمضان است .

نظر خوانندگان محترم را به بعض روایاتی که در این باب رسیده و کیفیت استدلال با آنها و بعد از آن بآدله مطلب جلب میکنم :  
موقفه حسان بن مهران از حضرت صادق علیه السلام :

"سَأَلْتَهُ عَنْ لَيْلَةِ الْقَدْرِ فَقَالَ : أَلْتَمِسُهَا"

فِي لَيْلَةِ إِحْدَى وَعِشْرِينَ أَوْ لَيْلَةِ ثَلَاثٍ وَعِشْرِينَ" (۵)

از حضرت سؤال کردم از شب قدر فرمود: آنرا در شب بیست و یکم یا بیست و سوم جستجو کن. از این حدیث شریف معلوم میشود شب قدر مرتد بین یکی از این دو شب است بنابر این شب نوزدهم نفی میشود و روایاتی که شب قدر را مردد بین یکی از سه شب نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سوم

شب وارد شده که میتواند موید این باشد که شب قدر همین شب است.

۳- خواندن سوره دخان در این شب رسیده که اول آن سوره است: "إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مَبْرُكَةٍ"

یعنی ما قرآن را در لیل مبارکه نازل کردیم، ولیله مبارکه همان شب قدر است چنانکه سوره قدر دلالت دارد که قرآن در شب قدر نازل شده است.

## زراره از امام صادق (ع) روایت می کند که فرمودند: تقدیر در شب نوزدهم میشود و در شب بیست و یکم محکم و مهمی برای امضاء میشود و امضاء و گذشتن تقدیرات در شب بیست و سوم (رمضان) است

ذکر کرده نسبت به شب نوزدهم حل میشود و این شب از اطراف تردید خارج میشود مثل روایت حسان که گفت:

"سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنْ لَيْلَةِ الْقَدْرِ قَالَ أَطْلُبُهَا فِي تِسْعِ عَشْرَةٍ وَإِحْدَى وَعِشْرِينَ وَثَلَاثٍ وَعِشْرِينَ" (۶)

از حضرت صادق (ع) سؤال کردم از شب قدر فرمود طلب کن آنرا بین نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سوم.

و هر چند در روایات بطور ابهام و تردید شب قدر بیان شده و حتی در بعضی احادیث فرموده اند:

"مَا أَيْسَرُ لَيْلَتَيْنِ فِيمَا تَطَلَّبُ"

یعنی چقدر کم است دو شب برای عبادت در آنچه طلب میکنی که فضل شب قدر است. لکن بچند دلیل میتوان فهمید که شب قدر همان شب بیست و سوم است که ذیلا به آن اشاره میشود.

۱- اعمال خاصه ای در این شب وارد شده مثل دو غسل که اهمیت و فضیلت این شب را بر شبهای دیگر کشف میکند.

۲- خواندن هزار مرتبه سوره قدر در این

۴- بعضی روایاتی که شب قدر را در سه شب ذکر کرده مثل روایت زراره امضاء تقدیرات در شب بیست و سوم ذکر نموده و روایت زراره بیست:

"قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع): التَّقْدِيرُ فِي لَيْلَةِ تِسْعَةِ عَشْرٍ وَالْإِمْضَاءُ فِي لَيْلَةِ إِحْدَى وَعِشْرِينَ وَالْإِمْضَاءُ فِي لَيْلَةِ ثَلَاثٍ وَعِشْرِينَ" (۷)

حضرت صادق (ع) فرمودند تقدیر در شب نوزدهم میشود و در شب بیست و یکم محکم و مهمی برای امضاء میشود و امضاء و گذشتن تقدیرات در شب بیست و سوم است. و چون معلوم است که شب قدر یک شب بیشتر نیست معلوم میشود که این شب همان شب امضاء تقدیرات یعنی شب بیست و سوم است.

روایت سفیان بن السط - قال:

"قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) اللَّيَالِي الَّتِي يُرْجَى فِيهَا مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ فَقَالَ "تِسْعَ عَشْرَةٍ وَإِحْدَى وَعِشْرِينَ وَثَلَاثَ وَعِشْرِينَ. قُلْتُ فَإِنِ أَخَذَتْ إِنْسَانًا الْفِتْرَةَ أَوْ عَلَهُ مَا لَمْ يَتَمَتَّ عَلَيْهِ مِنْ ذَلِكَ. فَقَالَ ثَلَاثَ وَعِشْرِينَ" (۸)

حضرت فرمود شبهایی که در آنها امید می رود که شب قدر باشد نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سوم است. سفیان گفت اگر کسی معذور باشد به کدام اعتماد کند. حضرت فرمود: بیست و سوم.

۶- قصه شخصی بنام جهنی که از حضرت باقر منقول است که فرمود:

"إِنَّ الْجَهَنِّيَّ اتَى النَّبِيَّ (ص)، فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّ لِي إِبِلًا وَعَنَمًا وَعِلْمَةً (عَمَلَةً) فَأَجِبْ أَنْ تَأْمُرَنِي بِبَلِيَّةٍ أَدْخُلُ فِيهَا فَأَشْهَدَ الصَّلَاةَ وَذِكْرَكَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ، فَدَعَا رَسُولَ اللَّهِ قَسْرَةَ فِي أُذُنِهِ فَكَانَ الْجَهَنِّيُّ إِذَا كَانَ لَيْلَةَ ثَلَاثٍ وَعِشْرِينَ دَخَلَ بِإِبِلِهِ وَعَنَمِيهِ وَ أَهْلَى إِلَى الْمَهْبِئَةِ" (۹)

جهنی خدمت پیغمبر اکرم رسید و عرض کرد من شتران و گوسفندان و کارگرانی دارم، دوست دارم که یک شب در ماه رمضان معین فرمائی تا من بنماز حاضر شوم. حضرت در گوش او مطلبی را سری فرمودند بعد از جهنی شبهای بیست و سوم ماه رمضان با شتران و گوسفندان و کارگرانش وارد مدینه میشد. و بجز اینها روایات دیگری هم هست.

از این ادلعاطمینان حاصل میشود که شب قدر شب بیست و سوم ماه رمضان است.

و اما جواب از سؤال دوم: و آن تکلیف کسانی که در ماه مبارک رمضان شغلی دارند که با آن شغل نمیتوانند روزه بگیرند مثل دروگری که اگر بخواهد درو کند و روزه بگیرد طاقت ندارد و از شدت گرما نمیتواند روزه بدارد. یا کسی که در جبهه جنگاگر بخواهد فعالیتهای جنگی داشته باشد و روزه بگیرد قدرت ندارد و مثالهای دیگر. این اشخاص چند دسته اند: یک دسته آنها که میتوانند و جایز است عملی که منافات با روزه دارد را ترک کنند مثل دروگر بتواند دروگری نکند و روزه بگیرد در زندگی بزحمت و مشقت نیافتد، این اشخاص باید روزه بگیرند و حق ندارند بخاطر کار روزه را افطار کنند و اگر نمیتوانند جمع بین کار و روزه کنند کار را ترک کنند و روزه بگیرند زیرا وجوب روزه برای

این شخص هیچگونه مزاحمی ندارد .

دسته دوم : آنها که اگر بخواهند کار را ترک کنند در زندگی بمشقت میافتند بنا بر این لازم نیست کار را ترک کنند ولی حق ندارند از همان اول روزه را افطار کنند چون اول وقت روزه مزاحمی ندارد وقتی روزه بر آنها حرجی شد بمشقت افتادند میتوانند افطار کنند چون لازم نیست کار را ترک کنند و خود را بمشقت بیندازند و لازم نیست روزه را ادامه دهند چون فعلا دارای حرج و مشقت است .

دسته سوم : کسانی که عمل منافی روزه بر آنها واجب است مثل کسانی که در جبهه مستقر هستند و لازم و واجب شرعی است بر آنها که فعالیتهای جنگی داشته باشند اگر این اشخاص نتوانند هم روزه بگیرند و هم بواجبشان عمل کنند در صورتی که واجب است بر آنها جنگ ، باید روزه را افطار کنند چون مزاحمت بین دو تکلیف مهم و مهم است و برای عمل بتکلیف مهم باید تکلیف مهم مخالفت شود ولی در اینصورت هم از همان اول حق ندارند روزه را افطار کنند بلکه وقتی مزاحمت واقع شد که در بین روز نتوانند جنگ کنند و روزه باشد میتواند روزه را افطار کند . و ناگفته نماند که این بیان مربوط به کسانی است که در جبهه مسافر نباشند مثل اینکه قصد ده روز در یک محل کرده باشند و الا مسافر در هر صورت نباید روزه بگیرد .

و اما جواب بارشوال سوم : یعنی وظیفه شخصی و حکم جرائی کسی که از روی علم و عمد روزه ماه مبارک رمضان را بدون عذر افطار کند بر چنین شخصی واجب است قضای روزه و کفاره آن کما اگر افطار بحرام نباشد (یا نند خوردن چیزی که اگر روزه نبود خوردنش حرام نبود) ، یکی از سه چیز است : بنده آزاد کردن یا صحت مسکین اطعام کردن یا صحت روز روزه گرفتن و اگر بحرام باشد (مانند خوردن چیزی کما اگر روزه نبود هم خوردنش حرام بود) کفاره جمع است که هم باید بنده آزاد کند و هم صحت مسکین اطعام نماید و هم صحت روز روزه بگیرد .

علاوه بر قضا و کفاره اگر نزد حاکم شرع ثابت شود که شخص بدون عذر روزه ماه رمضان را افطار کرده حاکم او را تعزیر میکند . اگر مرتبه دوم مرتکب این جرم شد بار دیگر او را تعزیر میکند و اگر مرتبه سوم بعد از دو تعزیر مرتکب شد کشته میشود و بنا بر بعضی اقوال باز تعزیر میشود و بعد از مرتبه چهارم کشته میشود . دلیل ثبوت قضا گذشته از ضرورت فقهی تعبیرات وارده در ادله مفرطات و ادله ای که حکم قضای ماه رمضان را بیان میکند که تفصیل آنها ضرورتی ندارد و دلیل ثبوت کفاره و خصال آن روایات بسیاری است که از جمله آنها صحیحها بن سنان است :

"عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) فِي رَجُلٍ أَفْطَرَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ مَتَعِدًا يَوْمًا وَاحِدًا مِنْ غَيْرِ عَذْرٍ قَالَ (ع) : يَعْتَقُ نَسَمًا وَيَضْمُومُ شَهْرَيْنِ مَقْتَابَعَيْنِ أَوْ يَطْعَمُ سِتِّينَ مَسْكِينًا فَإِنْ لَمْ يَقْدِرْ يَتَصَدَّقْ بِمَا يَطْبِقُ " (۱۰)

این سنان از حضرت صادق (ع) نقل میکند درباره مردی که بدون عذر یک روز روزه ماه رمضان را عمدتاً افطار کرد حضرت فرمود : بنده آزاد کند یا دو ماه نپی در پی روزه بگیرد یا صحت مسکین اطعام کند و اگر قدرت ندارد هر مقدار میتواند صدقه دهد .

و اما دلیل کفاره جمع با افطار حرام روایت حضرت رضا (ع) است که در آن این جمله ذکر شده :

"أَوْ أَفْطَرَ عَلَيَّ حَرَامٍ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ"  
"فَعَلَيْهِ ثَلَاثُ كَفَّارَاتٍ" (۱۱)

و روایت از جهت سند بحث مفصلی دارد که در مجلس ذکر شده و در هر صورت این

روایت دلیل مسأ لغاست . (۱۲)

و اما دلیل تعزیر حاکم شرع چنین مجرمی را که روزه ماه مبارک رمضان را بدون عذر افطار کرده صحیحها برید عجلی است که از حضرت باقر (ع) سؤال کرد :

"عَنْ رَجُلٍ شَهِدَ عَلَيْهِ شَهَادَةٌ أَنَّهُ أَفْطَرَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ . قَالَ (ع) يُسْأَلُ هَلْ عَلَيْهِ مِنْ إِفْطَارِكِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ إِثْمٌ فَإِنْ قَالَ لَا ، فَإِنَّ عَلَى الْإِمَامِ أَنْ يَقْتُلَهُ وَإِنْ قَالَ نَعَمْ ، فَإِنَّ عَلَى الْإِمَامِ أَنْ يَنْهَيْكَ ضَرْبًا . " (۱۳)

از حضرت سؤال کرد درباره مردی که شهود بر او شهادت دادند که سه روز از ماه رمضان افطار کرده . حضرت فرمود از او بپرسند آیا این کار را گناه میداند . اگر گفت نه امام او را میکشد و اگر گفت بلی بر امام است کما و را تعزیر کند . معنای این حدیث این است که اگر مجرم افطار را حلال بداند کشته میشود

## اگر کسی عمدتاً روزه ماه رمضان را افطار کند و این کار را حلال بداند بر امام است که او را بکشد و اگر روزه خوردن را گناه میداند امام باید او را تعزیر کند

الان تعزیر میشود . و گر چه در حکم بتعزیر روایت مطلق است ولی روایت دیگر در باره بعضی از مفرطات بیست و پنج شلاق ذکر کرده و ظاهراً این است که تجاوز از موردش بدون دلیل است و اختیار کیفیت تعزیر با حاکم شرع است و اگر جرم بعد از تعزیر اول دو مرتبه تکرار شد بار دیگر تعزیر ثابت است و بعد از آن اگر مرتبه سوم تکرار شد مجرم کشته میشود و دلیل مسأ له ، گذشته از شهرت بین فقها ، موثقه "ساعة" است :

"سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ أَخَذَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ وَقَدْ أَفْطَرَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ وَقَدْ رَفَعَ إِلَيَّ

# مناسبت‌های

## مهم

اول تیر - صدور فرمان تاریخی امام  
مبنی بر عزل اولین رئیس جمهوری ایران  
پس از ثبوت خیانت‌های وی و رأی قاطع  
مجلس شورای اسلامی بر عدم کفایت سیاسی  
او (۱۳۶۰)

هفتم تیر - تکرار عاشورائی دیگر در  
ایران ، در اثر انفجار دفتر مرکزی حزب  
جمهوری اسلامی و به شهادت رسیدن  
شهید مظلوم آیت الله بهشتی و ۷۲ تن از  
یاران با وفای امام امت . (۱۳۶۰)

هشتم رمضان - وفات حضرت ابوطالب  
( سه سال قبل از هجرت )  
دهم رمضان - وفات حضرت خدیجه -  
( سه سال قبل از هجرت )  
شانزدهم رمضان - ولادت سبط اکبر

حضرت امام حسن مجتبی (ع) ( سوم هجری )  
هفدهم رمضان - اولین نبرد اسلام با  
کفر ( جنگ بدر ) .  
هیجدهم رمضان - فتح اندلس بدست  
مسلمانان ( حدود ۱۳۱ هجری قمری )

نوزدهم رمضان - ضربت خوردن حضرت  
امیرالمؤمنین (ع) در محراب مسجد کوفه  
( ۴۰ هجری )  
بیستم رمضان - فتح مکه ( ۸ هجری )  
بیست یکم رمضان - شهادت حضرت  
امیرالمؤمنین (ع) ( ۴۰ هجری )

بیست یکم تیر - کشف توطئه کودتای  
نافرجام آمریکائی . ( ۱۳۵۹ )  
بیست چهارم رمضان - روز جهانی  
قدس - به امر امام امت و امید مستضعفان  
روز جمعه آخر ماه مبارک رمضان بعنوان روز  
جهانی قدس و حمایت از مستضعفین اعلام  
گردید .

بیست نهم رمضان - غزوه حنین ( ۸ هجری )  
اول شوال - روز عید فطر .

زیرا این دو نفر در این طریق هستند لکن  
قرائنی هست که از مجموع آن وثوق و اطمینان  
یونان است این دو نفر حاصل میشود و لذا هم  
این روایت که مورد بحث ما است معتبر است  
و هم طریق مرحوم صدوق بغض بن شاذان .  
و اما قرائن نسبت بعد الواحدین عبدوس .  
۱ - ایشان از مشایخ صدوق هستند که  
مرحوم صدوق بلا واسطه از ایشان نقل روایت  
فرموده اند و این مطلب مکررا در روایات  
دید شده است . بخصوصی که در بعض موارد  
مرحوم صدوق بعد از ذکر نام او فرموده است  
رضی الله عنه که معلوم است مورد علاقه  
صدوق بوده که برای او طلب رضایت خدا  
نموده است .

۲ - مرحوم صدوق در کتاب عبون الاخبار  
روایتی را از طریق نقل فرموده که یکی از  
آنها از طریق عبد الواحدین عبدوس است و  
بعد از نقل این روایت صدوق فرموده است و  
حدیث عبد الواحدین عبدوس عندی اصح و  
ظاهر این عبارت شهادت صدوق است بصحت  
روایت از جهت وثاقت راوی .

۳ - صدوق در آخر جلد اول عبون الاخبار  
فرموده است که آنجا که شیخ او محمد بن -  
الحسن بن الولید تصحیح کرده باشد در  
تصحیفاتش نقل نمیکند پس از نقل این روایت  
معلوم میشود مورد تصحیح محمد بن الحسن  
بن الولید است و این شهادت است باینکه  
عبد الواحدین عبدوس عندی اصح است .  
و اما قرائن نسبت به علی بن محمد بن  
قاسم .

۱ - شیخ طوسی درباره او فرموده است  
انه طعمه الفضل بن شاذان السبائی فاضل  
و این عبارت مدح ایشان است .  
۲ - نجاشی در حق او فرموده است علیه  
اعتماد ابو عمرو و الکنی فی الرجال . پس  
شهادت نجاشی ایشان مورد اعتماد کتبی  
است که از رجالین معروف است و خود این  
عبارت نجاشی مدح نجاشی است و او

۳ - اعتماد کتبی بر او است و اضافه کرده  
است درباره او که آن صاحب الفضل بن شاذان  
و او را به کتب علمای  
و این قرائن هر چند بعضی آنها بتنهائی  
دلیل بر وثاقت راوی نیست ولی از ملاحظه  
مجموع آنها اطمینان حاصل میشود باعتبار  
این دو نفر و اعتبار روایاتی که نقل میکنند و  
هر چند این مباحث از حوصله نشریه و مجله  
خارج است لکن چون بعضی برادران خواستند  
که در جهات تخصصی سطح مقاله بالاتر باشد  
اشاره‌ای بسند این حدیث گردیم که البته از  
آن مطلب کلی تری استفاده میشود که اهمیت  
آن کم نیست و آن صحت طریق مرحوم  
صدوق بغض بن شاذان است و از موقعیت  
استفاده میکنیم که بعضی روایاتی را که مادر  
مقاله‌ها با اسم روایت نقل میکنیم از جهت  
سند تمام نمیدانیم لکن در استفاده‌های فقهی  
با آنها استناد نمیکشیم و نقل آن در موردی  
است که مربوط است بسبب حکم فقهی نیست و  
فقیه هم در این مورد مباحثه را تجویز  
نمیکند و این قبیل روایات را نقل میفرمایند

۱۳ - وسائل ج ۷ ص ۱۷۸ روایت ۱  
۱۴ - وسائل ج ۷ ص ۱۷۹ روایت ۲

الْإِمَامُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ قَالَ (ع) يَقْتُلُ فِي  
الثَّلَاثَةِ " ( ۱۴ )

ساعتی که بیدار حضرت شوال کردم  
( معلوم است که از امام معصوم شوال کرده  
چون ساعت چندین مطلبی را از غیر امام نقل  
نمیکند ) از مردی که دستگیر شد و سه مرتبه  
روزه را افطار کرده بود و در هر سه بار او را  
نزد امام ( حاکم شرع ) بردند حضرت فرمود  
مرتبه سوم کشته میشود . و باید معلوم باشد که  
حکم قتل در صورتی است که قبل از آن دو  
تعبیر شده باشد و الا تنها سه مرتبه افطار موجب  
قتل نیست . و بعضی علما فرموده‌اند که قتل  
بعد از تکرار جرم در مرتبه چهارم است و  
روایت مرسله‌ای هم بر آن هست و البته  
احتیاط بسیار خوب است که حتی الامکان  
بخصوص در دعا و نفوس مراعات آن لازم است .  
از خداوند تعالی توفیق نیل بفیوضات مساه  
مبارک رمضان و شبهای قدر را مسألت داریم .  
و الحمد لله رب العالمین .

۱ - مشایخ ثلاثه ( کلینی و شیخ طوسی و  
شیخ صدوق ) رحمهم الله این زیارت را نقل  
نموده‌اند بلکه مرحوم شیخ صدوق در کتاب  
من لایحضره الفقیه فرموده : برای این کتاب  
این زیارت را انتخاب کردم زیرا که آن  
با اعتبار روایات اصح زیارات است نزد من  
و فرموده همین زیارت ما را کافی و وافیه است .  
۲ - وسائل ج ۷ ص ۱۷۴ روایت ۸  
۳ - وسائل ج ۷ ص ۱۷۶ روایت ۱۰  
۴ - وسائل ج ۷ ص ۲ روایت ۱  
۵ - وسائل ج ۷ ص ۲۵۸ روایت ۱  
۶ - وسائل ج ۷ ص ۲۶۳ روایت ۲۱  
۷ - وسائل ج ۷ ص ۲۵۹ روایت ۲  
۸ - وسائل ج ۷ ص ۲۶۱ روایت ۸  
۹ - وسائل ج ۷ ص ۲۶۲ روایت ۱۶  
۱۰ - وسائل ج ۷ ص ۲۸ روایت ۱  
۱۱ - وسائل ج ۷ ص ۳۵ روایت ۱  
۱۲ - زیرا اولاً اصحاب به  
روایت عمل کرده‌اند و در  
صحت روایت کفایت میکند که فقها اسلام  
که در شناخت احکام اسلام و مدارک آن  
تخصص دارند روایتی را بعنوان مدرک حکمی  
قبول کنند و بر طبق آن فتوی دهند .  
و ثانیاً اشکالی در این روایت نیست مگر از  
جهت عبد الواحدین عبدوس و علی بن محمد  
بن قاسم که جماعتی فرموده‌اند و ثانیاً نسبت  
ایشان ثابت نشده است و همین دلیل طریق  
مرحوم صدوق بغض بن شاذان را رد میکنند